



«جوان» در گفت‌وگو با مسئولان و کارشناسان موضوع ترک فعل و احیای حقوق عامه را بررسی کرده است

«احیای حقوق عامه» مأموریت مغفول در قوه قضائیه

معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور: مردم حقوق خود را بطلند حتماً داخله می‌کنیم

در قانون اساسی کشورمان یکی از وظایف مهمی که بر عهده دستگاه قضایی در اصل ۱۵۶ قرار گرفته احیای حقوق عامه است که تصریح دارد قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهدمدار وظایفی از جمله احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است. قانون تصریح دارد که در موارد تضییع حقوق عامه و تعدی به حقوق عمومی مردم، دادستان کل کشور به عنوان شاکی و مدعی العموم باید مستقیماً وارد و علیه متجاوزان و متعدیان به دستور قضایی اقدام کند.

این وظیفه جداز سایر تکالیف کلان از قبیل حل و فصل دعوی مردم و رسیدگی به شکایات یا بحث پیشگیری از جرم و سایر موارد مقرر ذکر شده تعریف می‌شود و به این معنی خواهد بود که ثمره همه انجام وظایف، تضمین رعایت حقوق مردم است اما موضوع حقوق عامه باید به طور خاص، مرجع و متولی عدل گسترتری در جامعه داشته باشد. از آنجا که در حوزه‌های مختلف وقتی حقوق مردم به علل و عوامل گوناگون مخدوش شده، به حاشیه رفته یا استثنای حق از اصل موضوعیت حق بیشتر شده، عملاً آن را بی‌خاصیت کرده یا مقدمات لازم تحقق حق تأمین نشده است، به همین خاطر عملاً حق مزبور فقط روی کاغذ قوانین به رسمیت شناخته می‌شود. در اینجا لازم است مرجع خاص با راه کافی، قاطعیت، قانونمندی، متانت و به دور از هر گونه شعارزدگی به میدان آید و حقوق مردم احیا کند تا امیدها را به مردمی که حقوق شان نادیده گرفته شده، برگرداند.

رویکردهای متوعی را برای احیای حقوق عامه می‌توان در پیش گرفت، از جمله اینکه وضع موجود از میان حقوق عامه مردم را آسیب‌شناسی کرد، سپس مبتنی بر این شناخت جامع، برنامه کلان همه‌جانبه و زمانبندی شده‌ای را طراحی کرد و در قالب فرمول‌های متعدد اعم از تدوین لوایح مورد نیاز، نظارت بر اجرای شایسته قوانین و برخورد قانونی با ناقضان حقوق مردم به پیش برد. همچنین رشد دستاوردها را دائماً سنجش و ارزیابی کرد تا موارد منفی کاهش یابد یا بارشود. از آنجا که مطالعه جامع وضع موجود و آسیب‌شناسی مربوط به همه حق‌ها و آزادی‌ها آماده نیست و نیز برنامه کلان فراگیری برای پیگیری همه موارد نیز فراهم نخواهد شد، در نتیجه باید در چارچوب مقدرات و منابع موجود، در قبال مصادیق نقض حقی که هر روزه عموم مردم یا گروهی از آنها رنج می‌برند، با قاطعیت ورود کرده و اجازه نقض شان را ندهند. سال‌هاست در خصوص قلمرو این وظیفه مهم بحث‌ها و نظرات متنوعی بین حقوق‌دانان و اهل فن جریان دارد اما همگی بر این امر اتفاق نظر دارند که اگر قوه قضائیه وظیفه اصلی خود را به انجام رساند، به صورت طبیعی حقوق مردم مورد صیانت و تضمین قرار می‌گیرد و اگر در مواردی تخلفات و نقض حق‌ها توسط مراجع مختلف باعث آسیب دیدن بعضی حوزه‌های حقوق مردم شده باشد، با اجرای عدالت احیای مستمر حقوق مردم به جایگاه اصلی خود بر خواهد گشت.

مأموریت مغفول در قوه قضائیه در بحث حقوق عامه، موضوع پرونده حقوقی این هفته روزنامه

جوان است که آن را با استادن حقوقی دانشگاه، پژوهشگران و نیز نهادهای متولی در این زمینه در میان گذاشته است. پاسخ‌های ارائه‌شده به سؤال اصلی روزنامه جوان حاکی از نقض‌هایی در این زمینه است که با قوانین و راهکارهای ساده و اصولی قابل کنترل است. طبق گفته‌های حسین احدزاده، پژوهشگر حکمرانی قضایی یکی از راه‌ها برای احیای حقوق عامه، برجسته‌ساختن مصادیق حقوق تضییع‌شده از مردم است. تعارض منافع و نیز شفافیت مجوزهای کسب و کار دو مصداق اصلی تضییع حقوق عامه در نگاه این پژوهشگر است. وی به نکته جالبی اشاره دارد و معتقد است یکی از مصادیق احیای حقوق عامه شفاف‌سازی موقعیت‌های تعارض منافع و درمان آن است که در صورت تمرکز قوه قضائیه بر این حوزه با ارائه لایحه‌های حمایتی عملاً کم‌کاری‌ها در بحث حقوق عامه جریان خواهد شد. سیدمحمد مهدی غمami، مدیر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی نیز اعتقاد دارد نظام قضایی به صورت شفاف و در قالبی منتشر شده بر آوردی از وضعیت حقوق عامه ندارد.

وی در توضیح بیشتر می‌نویسد: کلی‌گویی خط کش نمی‌شود تا مراجع محترم قضایی درگیر با قضایای واقعی، دقیقاً بدانند که برای مثال با وجود حوادثی همانند متروپل، ساخت‌وسازها کی و چگونه ممکن است به نقض حقوق عامه بینجامد؟

وی اعتقاد دارد قوه قضائیه در احیای حقوق عامه درگیر قوانین و مقررات رانت‌زاد است و باگیر وی کیفیت است و باید در موضوع حقوق عامه استفاده از ظرفیت‌های فناوریانه کلید بخورد.



«حقوق عامه» یک سهل‌ممتنع

قضایا به معنای فصل خصومت جزو بدیهی‌ترین وظایف هر نوع حکومت اسلامی و غیراسلامی است، لیکن قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان متولی امر قضاوت در این نظام، وظایفی فراتر از موضوع فصل خصومت دارد و اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه خطیر احیای حقوق عامه را به عنوان یکی از اهداف اصلی این نظام بر عهده قوه قضائیه قرار داده است. به رغم کثرت استعمال عبارت حقوق عامه در اسناد حقوقی داخل کشور هنوز این مهم از لحاظ تعریف، مصادیق و سازوکارهای احیا با چالش‌های جدی مواجه است. احیای هر موضوعی فراتر از تنظیم‌خواهی و احقاق حق در حقوق کیفری و حقوق خصوصی است و لازمه احیای حقوق عامه انجام سلسله‌اقداماتی است که در حیطه حقوق عمومی تعریف و ترسیم می‌شود.

رویه فعلی وظیفه احیای حقوق عامه را عمدتاً بر عهده دادستانی (۲۰۰ و وظیفه بر عهده مقام دادستانی و حدود ۵۰ وظیفه برای دادستان کل کشور) قرار داده است و دادستان به عنوان یکی از اصلی‌ترین متولیان احیای حقوق عامه علاوه بر وظایف کیفری و فصل خصومات کیفری دارای وظایفی در حوزه حقوق عامه و حقوق عمومی نیز است.

هر چند در سابقه و زمینه و تاریخچه دادستانی از نظام حقوقی فرانسه، مدعی‌العموم نماینده حاکمیت محسوب می‌شده است، لیکن تا پیش از ۱۰۰ ساله حقوقی این نهاد در کشور و جایگاه فقهی قوه قضائیه در قانون اساسی انقلاب اسلامی و اهدافی که برای آن نهاد در مأموریت‌های قوه قضائیه ترسیم شده است، دادستانی کل کشور را در مقام وکیل مدافع حقوق مردم در مقابل تعدیات احتمالی حکومت (بالاخص قوه مجریه و سایر دستگاه‌های اجرایی که با حقوق مردم و به تعبیری مسئول قواعد حقوق عمومی می‌شوند) نیز قرار داده است، لذا برای این نهاد مهم باید طریحی نو متناسب با اصول حاکم بر حقوق عمومی نیز جهت احیای حقوق عامه در نظر گرفته شود.

اصولی مانند اصل شفافیت، اصل پاسخگویی و اصل حاکمیت قانون در حکمرانی خوب از مباحث مهم در حقوق عمومی است که اثری از آن در حقوق جزا و جرم‌شناسی و حقوق خصوصی نمی‌توان یافت. تأثیر اصول مذکور در احیای حقوق عامه بحث مفصلی را می‌طلبد، لیکن به عنوان نمونه می‌توان به اصل پاسخگویی و اصل شفافیت اشاره کرد. مقام اداری (به عنوان منبهم ردیف اول تضییع حقوق مردم با فعل و ترک فعل‌های خود در انجام مأموریت‌ها متناسب با صلاحیت‌ها و اختیارات خود) باید پاسخگویی تمامی اقدامات و تصمیمات خود باشد چراکه اصل پاسخگویی مبتنی بر این است که هر گونه اقتدار ناشی از قانون تنها با تصور مسئول بودن (مورد سؤال بودن و بالطبع پاسخگو بودن) منجر به تحقق حاکمیت قانون می‌شود و در غیر این صورت موجب استبداد قدرت و از بین رفتن حقوق عامه می‌شود.

این اصل به نوعی در امتداد اصل شفافیت نیز قرار می‌گیرد، به این ترتیب که مقام دولتی علاوه بر اینکه باید تصمیمات خود را

در قضایای شفاف اتخاذ کند، ملزم است نسبت به هر گونه عمل خود در صورت تقاضای مردم پاسخگو باشد و آن را مستند و مستدل به فرامین قانونی کند، بنابراین اصل در حقوق عمومی و بالطبع حقوق عامه این است که هر مقام دولتی در صورت بازخواست باید نسبت به تمامی تصمیمات و اقدامات خود پاسخگو باشد و نمی‌تواند از ارائه پاسخ مستند و مستدل استکفاف کند و در صورت عدم پاسخگویی به مردم، باید وکیل مردم یا همان شأن مدعی‌العمومی دادستان وارد عمل شده و مقام تضییع‌کننده حق مردم را پاسخگو و آادارد و حتی ممکن است مقام تضییع‌کننده حقوق عامه اساساً مرتکب جرم به معنای حقوق کیفری نیز نشده باشد، لیکن ترک فعل در انجام وظایف قانونی منجر به تضییع حقوق عامه شده باشد. نویسنده بر این باور است که عدم طراحی صحیح مبتنی بر حقوق عمومی برای دادستان (دادستان کل در کل کشور و دادستان‌ها در سطح شهرستان‌ها) مأموریت مهم احیای حقوق عامه را دورتر از سطح مورد انتظار قانون اساسی و رهبری قرار داده است.

موضوع هوای پاک، مسئله میراث فرهنگی و سرفهات آثار فرهنگی، تخلفات خودروسازها، تأخیر شرکت‌های هواپیمایی، گودبرداری و ساختمان‌سازی غیراصولی در شهرداری‌ها، توقف ساخت مسکن ملی و نادیده گرفتن حق بر مسکن، تخریب محیط زیست و تصرف اراضی ملی، همگی موضوعاتی هستند که نگاه کیفری محض به جهت اطاله در رسیدگی و نگاه مضیق به نفع مرتکبان تضییع‌کنندگان این حقوق نمی‌تواند بویایی و برخورد فعالانه مورد انتظار برای احیای حقوق عامه را فراهم آورد.

مشکلات فراوری احیای حقوق عامه متعدد است اما به صورت فهرست‌وار می‌توان به موضوعاتی از قبیل: عدم تصویب قانون عدم تضییع حقوق عامه و وظایف دادستان‌ها در قبال حقوق عامه، عدم تعریف دادستان استان منطق با تقسیم‌بندی اجرائی و اداری، عدم تعریف مصادیق حقوق عامه و طرق و ضمانت‌اجرائی احیای آن، عدم استفاده صحیح و فعال از نهادهای مردم‌نهاد در پروسه قضایی و غیره اشاره کرد. نکته آخر آنکه امروز اساساً حکمرانی خوب که در قانون مدیریت کشوری و در قانون اساسی با تعابیر مشابه مانند نظام اداری صحیح و عادلانه مورد اشاره قرار گرفته است، در برخی کشورها بر مینا و با استفاده از رویه قضایی شکل گرفته و در ساختار کشور ما نیز عادلانه بودن آن نیازمند نظارت قضایی است. نظارت قضایی در ساختار فعلی جز با بازنگری در ظرفیت دادستانی کل کشور و دیوان عدالت اداری محقق نخواهد شد.

طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، سند تحول قضایی و رهنمودهای مکرر مقام معظم رهبری، قوه قضائیه باید پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و احیای حقوق عامه باشد. این همان وظیفه‌ای است که در سالیان روزمرگی و دهها ابرچالش دیگر قضایی قوه، فراموش شده بود و از سال ۱۳۹۷ تحت عنوان برنامه تحول قوه قضائیه، به رئیس سابق تکلیف شد. بیش از سه سال از برنامه پیشنهادی تحول که اولین بار نیز مقام معظم رهبری برای رئیس قوه نوشت: «سند تحول قضایی پیشنهادی جناب‌عالی را ملاحظه کردم». می‌گذرد، ولی نتایج ملموسی قابل ملاحظه نیست، کما اینکه هفتم (۱۴۰۱/۱۶/۲۱) قوه قضائیه به کلی برنامه‌سازای سند تحول قضایی و اجرای آن «فراخوانده شده است. آنچه بدیهی است تکلیف قوه و عزم مشهود مدیران عالی دستگاه عدل و همچنین ناکارآمدی سازوکارهای موجود در این زمینه است و آنچه مفقود است، برنامه عملیاتی و مؤثر و خلاقانه است، به ویژه آنچه نقش عامه (مردم و جمع‌سپاری) و رویکردهای فناوریانه نیز می‌شود. نکته اول این است که در این زمینه اقدامات و اقدامات گوناگونی در نظر گرفته شده است. در این زمینه اقدامات و اقدامات گوناگونی در نظر گرفته شده است. در این زمینه اقدامات و اقدامات گوناگونی در نظر گرفته شده است. در این زمینه اقدامات و اقدامات گوناگونی در نظر گرفته شده است.

وقتی قرار است تحولی رخ دهد، باید بدانیم کجا هستیم و به کجا می‌خواهیم برویم؟ نظام قضایی به صورت شفاف و در قالبی منتشر شده بر آوردی از وضعیت حقوق عامه ندارد، دقیقاً بدانند که همه دست‌اندرکاران می‌دانند و بانوعی خلاقیت اولیه بیان می‌کنند، موجود است، ولی آنچه دقیقاً بگوید «نظام قضایی در عرصه‌های مختلف به ویژه «احیای حقوق عامه» کجاست؟ در دسترس نیست. چاب آنکه اولاً مبانی حقوق عامه و فهم آن مهم است و ثانیاً هیچ خط‌کش رسمی و فرمولی قابل فهم و نوعی برای سبیله‌گذاری چیستی حقوق عامه از غیر عامه هم ارائه نشده است. حتی مصادیق مشخص و موجبی هم از حقوق عامه به نحو اجتماعی ارائه نشده است، البته مجدداً باید اذعان به کلی‌گویی‌های موجود کرد، ولی کلی‌گویی خط‌کش نمی‌شود تا مراجع محترم قضایی درگیر با قضایای واقعی، دقیقاً بدانند که برای مثال با وجود حوادثی همانند متروپل، ساخت‌وسازها کی و چگونه ممکن است به نقض حقوق عامه بینجامد؟

حذف یک قطعه یا ارزان کردن قطعه‌ای در یک خودرو که مکرر به آتش‌سوزی یا آلودگی هوا منجر شده است، آیا نقض حقوق عامه از بابی می‌شود؟ آیا تعلل برخی مدیران در انجام تدابیر پیشگیرانه جهت عدم گسترش بیماری خطرناک ویروس کرونا نقض حقوق عامه است؟ آیا عدم تصویب آیین‌نامه‌های قانونی در



دکتر سیدمحمد مهدی غمami مدیر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

زمان مصرح در قانون که عموماً به صدها پرونده قضایی برشاهی می‌انجامد، تصنییر مخل به حقوق عامه محسوب نمی‌شود؟ ترک فعل‌هایی که مجموعه گسترده مقررات گذاران و تنظیم‌گران انجام می‌دهند و باعث

سیاری از اضطراب‌ها در بازار خودرو، ارزاق عمومی، پول و ارز می‌شود، نقض حقوق عامه نیست؟ و در این بین آیا باید دادستانی ورود کند یا دیوان عدالت اداری یا سازمان بازرسی کل کشور یا حفاظت اطلاعات قوه، اگر هم همه یا چند نهاد، فرایند مداخله و اقدام چیست؟ این ابهام بسیی پیچیده‌تر برای خود عامه، یعنی مردم است. آنها در یک سفر ساده به شمال، شاهد زمین‌خواری گسترده و نقض حقوق مربوط به اراضی طبیعی و خارج از محدوده شهرها و روستا هستند ولی نه می‌دانند چه کار کنند و نه فقط به سبب این ابهام، از خودشان انتظاری برای صیانت از اراضی ملی و طبیعی ندارند. خلاصه آنکه، عامه عادت کرده‌اند «مسئولیت اجتماعی» ندارند، آنها به واسطه تجربه ناخودآگاه حساسیت خود را از دست داده‌اند، کما اینکه اصل هشتم قانون اساسی که مفهوم واقعی «مسئولیت عامه» و واجب‌ترین فرضیه حکومت اسلامی است، مغفول و درگیر برخی از حواشی و فهم‌های سطحی شده است، بنابراین یک سؤال دیگر و جدی‌تر این است که چگونه باید رویه مطالبه‌گری متعددهانه و مسئولانه مردم احیا شود؟ ذکر این نکته لازم است که این روزها عبارت «مطالبه‌گری» منتهی به برداشت‌های فاقد چارچوب و اعتراضات غیرسازنده



نظام قضایی به صورت شفاف بر آوردی از وضعیت حقوق عامه ندارد، البته کلیاتی که همه دست‌اندرکاران می‌دانند و بانوعی خلاقیت اولیه بیان می‌کنند، موجود است، ولی آنچه دقیقاً بگوید «نظام قضایی در عرصه‌های مختلف به ویژه «احیای حقوق عامه» کجاست؟

و حتی جریان‌های مغایر نظم و منافع عمومی شده است. جالب اینکه کسانی که غیرقانونی نیز وارد کشور شده‌اند، مطالبه‌گری می‌کنند.

۲) سواد حقوقی

مقدمه مشارکت در احیای حقوق عامه وقتی قرار است حقوق عامه احیا شود، آیا ادراک عمومی و مشارکت مستقیم مردم را نباید ذخیل کنیم؟ به نظر می‌رسد تاکنون ابهت نظام قضایی و خشک بودن ذاتی مباحث حقوقی، مانع آن شده است که از نظر و رویکرد عامه مردم برای فهم بخشی از وظایف نظام قضایی استفاده شود. این در حالی است که از یک سو قوه قضائیه وفق اصل ۶۱ علاوه بر حل و فصل دادگویی که یک امر روزمره محسوب می‌شود، به وظیفه دایمی که البته روح وظیفه اول هم است، بپردازد و آن حفظ حقوق عمومی، گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی است. از سوی دیگر بر اساس اصل ۱۵۶، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهدمدار احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است. این وظایف بدون مشارکت مردم ممکن نیست و البته آنها برای این مهم باید آماده و تمرین داده شوند. در غیر این صورت و در وضعیت فعلی، اولاً آنها انتظار این پشتیبانی را ندارند چرا که نه حقوق‌شان را می‌دانند و نه باور دارند که قوه قضائیه اقتدار و توان و سلامت لازم برای حمایت از آنها را در مقابل ناقضان قدرتمند و اژدهای هفت سر فساد دارد و ثانیاً مهارت لازم برای مطالبه‌گری و فعال‌سازی قوه عریض و طویل قضائیه را که در روزمرگی آمار و اطاله دادرسی به شدت درگیر شده است، کسب کرده‌اند.

برای آنکه شهروندان ظرفیت مشارکت در احیای حقوق عامه پیدا کنند باید: اولاً نظام سیاسی برای ارتقای «سواد حقوقی» شهروندان تمهیدات ویژه‌ای از جمله آموزش عمومی در مدارس و ویژه در مناطق محروم و بین‌افقشار کم‌برخوردار و تعامل با نهادهای دارای قوه مفکره از جمله اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها برای تصمیم‌سازی و اصلاح نظام آموزش و نقش‌پذیری اتخاذ کند که البته باید اذعان داشت خود «سواد حقوقی» از جمله حقوق عامه است که باید همه دستگاه‌های عمومی اعم از دولتی و غیردولتی نسبت خود را با آن مشخص کنند. ثانیاً قوه قضائیه نیز به عنوان قوه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی از طرق مؤثر و فراگیر به نحوی که ملت درگیر کند، به نحو کاملاً واقعی، خدمات قضایی

اولیه (پیشگیرانه همانند سوت‌زنی و گزارش دهی) و ثانویه (طرح دعوا) در دسترس دارند و می‌توانند در مورد حقوق‌شان با قوه قضائیه گفت‌وگو کنند و از این قوه بخواهند که لیست حق‌های مورد حمایتش را به‌روز کرده و ابزارهای مؤثرتری را برای اعمال «نظارت قضایی» به کار بگیرد.

۳) ظرفیت فناوری در احیای حقوق عامه

جامعه مردمسالار دینی اقتضائاتی دارد که از جمله آنها مطالبه‌گر بار آوردن ششم قانون اساسی و همچنین دعوت به خیر و نهی از منکر مندرج در هشتم قانون اساسی است. به علاوه آنکه در ورود به عصر فناوری که دسترسی به اطلاعات و انبوه تحلیل داده‌ها به سادگی انجام می‌گیرد، دیگر بهانه‌ای برای عدم مشارکت در حوزه‌های مختلف و عدم مشارکت آنها در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا باقی نمی‌ماند. از جمله فناوری‌هایی که مشارکت مردم را در امر اداره کشور بسیار یاری می‌رساند، جمع‌سپاری (کردولا) است. این فناوری در جهان به زودی معیار حکمرانی شایسته مشارکت محور مردم شده و مهم‌ترین ابزار ارتقای کیفیت، اثربخشی و مشروعیت‌دهی به تصمیمات و نهادهای مجاری، نوآوری باز و رویکرد جمع‌سپاری رشد و توسعه فناوری است. در امور مختلفی همچون نظارت، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تقنین و در سطوح ملی و محلی کاربرد دارد. به این ترتیب توسعه فناوری‌های شهروندی بر بستر فضای مجازی این امکان را فراهم آورد تا محدودیت‌های مشارکت شهروندان به نحو بی‌بدیلی کاهش یابد و حضور و مشارکت واقعی آنان در حکمرانی تسهیل شود.

نظام قضایی باید از این شکل فناوری‌ها به نحو مؤثری استفاده کند و با شهروندان و نخبگان بر اساس قاعده طلایی احترام به ارباب رجوع همیشه حق با مشتری است- برنامه تعاملی در پیش گیرد چراکه قوه قضائیه در احیای حقوق عامه از یک سو درگیر قوانین و مقررات رانت‌زاد است و از سوی دیگر ورودهای است و اینجاکثر نهادهای قضایی همانند دادستانی، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری با کمک معاونت حقوقی و معاونت پیشگیری باید نقش فعالی بازی کنند و از سوت‌زنی دیگر ورودهای فعال قضایی به ویژه از طرق نهاد دادستانی و به صورت پیش‌دستانه باید مبتنی بر مشارکت مردم و البته فناوری‌های سوت‌زنی و گزارش دهی بنیان

نهاده شود.

مردم حقوق خود را بطلبند حتماً مداخله می‌کنیم



غلام عباس ترکي

معاون حقوق عامه و پیگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور

تعیین شده که همه این موارد با همکاری دادرسی مربوط و سازمان تعزیرات بوده است. معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور هم‌افزایی کلانمی‌کند. ما حسب مورد بعد از این زمینه را اقدام و گام مؤثری دانست و گفت: همه دست‌اندر کاران مرتبط با موضوعات تخصصی دخیل هستند تا مسئله نقض حقوق عامه پیگیری شود و با هم‌افزایی بتوانیم نتیجه‌گیری بهتری برای احیای حقوق عامه داشته باشیم.
ترکی همچنین از تشکیل کار گروه‌هایی برای

فرایند مداخله در موارد نقض حقوق عامه که دارای شاکی خصوصی نیست، سؤالی بود که خبرنگار «جوان» از غلام عباس ترکي،معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور پرسید. وی پیگیری موارد نقض حقوق عامه و اطلاع از آن را به واسطه کمک گرفتن از مردم دانست و در این باره گفت: هر شهروندی می‌تواند با ورود به سامانه دادستانی کل کشور (بخش حقوق عامه) موارد نقض را اطلاع دهد که روزانه چندین گزارش در موضوعات مختلف دریافت می‌کنیم.

ترکی بازوی دیگر در کسب اطلاع از موارد نقض حقوق عامه را دستگاه‌های نظارتی معرفی کرد و افزود: بخش مهمی از موارد نقض توسط دستگاه‌ها و بخش پیگیری نیز با اطلاع دادستانی از طریق فضای مجازی یا انتشار اخبار است. معاون حقوق عامه دادستانی کل کشور با تأکید بر بعد تخصصی برخی موضوعات در بحث حقوق عامه از تشکیل کار گروه‌های تخصصی برای شناسایی و پیگیری خبر داد و بسرای نمونه گفت: در خصوص موضوعات مرتبط با بهداشت و درمان کار گروهی متشکل از مدیران و معاونان وزارت بهداشت و نیز نخبگان و مسئولانی از پزشک قانونی تشکیل شده است تا موضوع سقط جنین را دنبال کنیم، پدیده زیر میزی پزشکان را نیز در این کار گروه دنبال می‌کنیم.

ترکی با اعلام نتیجه از تشکیل این کار گروه‌ها گفت: تعدادی از پزشکان متخلف شناسایی یا مطب آنها تعطیل و پلمب و بسرای برخی دیگر نیز جریمه

«کلان‌نگری و مردم‌محوری» ۲ شرط اصلی احیای حقوق عامه

اصطلاح «حقوق عامه» که ریشه در مبانی فقهی اسلام و نقش محوری عامه مردم در نظام حقوقی مبتنی بر احکام اسلامی دارد و علاوه بر مذهب فقهی تشیع، مکاتب فقهی و کلانمی‌معاشر جهان اسلام نیز در اصل و جایگاه آن انتقال نظر دارند، در بردارنده مجموعه‌ای از امتیازات، اختیارات و حق‌های اصیل تغییر‌ناپذیر و تبدیل‌ناپذیر برای عموم مردم است که در فرایندهای خاصی به پشتوانه الزامات حقوقی و از سوی قدرت عمومی می‌شود، به دلیل محوریت و اصالت حقوق عامه، سازوکارهای مطالبه‌گری و دادخواهی نسبت به این حقوق نیز باید در فرایندهای مذکور پیش‌بینی و به رسمیت شناخته شده باشد. به همین جهت در یک نگاه کلان حقوق عامه هم‌دوش هم‌تراز حقوق بنیادین، حقوق عمومی و حقوق شهروندی است و جز در ساخت اصطلاحی در برخی ملاحظات جزئی استدلالی، تفاوت ماهوی قابل ملاحظه‌ای با آنها ندارد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر گاه سخن از حقوق مردم (مقدمه قانون اساسی)، حقوق ملت (فصل سوم قانون اساسی) و حقوق عامه (اصل ۱۵۶ قانون اساسی) به میان آمده است، به جنبه‌ای از این هسته مشترک یعنی کرامت و حقوق عامه مردم در حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی اشاره شده است که غیر قابل سلب و غیر قابل تفکیک هستند و به مثابه یک



علی ریعی‌زاده

قائم مقام اندیشه‌کده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق(ع)

ارزش و قاعده بنیادین برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند؛ امری که بارها در تاریخ سیاسی و حقوقی کشور تثبیت و تضمین آنها در سطح سیاستگذاری، تقنین، اجرا (اصم) از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرا در دستور کار قرار گرفته و در عین حال موانع داخلی و تهدیدات خارجی بی‌شماری همواره سدر راه احیای همه‌جانبه حقوق عامه بوده است و خواهد بود.

اگر چه ضرورت احیای روشمند و ساختارمند حقوق عامه به‌سنوان مرکز ثقل مجموعه ارزشمندی از تحولات و دستاوردهای واقعی و اجتماعی برای همگان روشن است و محدود به برهه خاصی از زمان نیست، اما در ابعاد تفصیلی این ضرورت و سپس اقدام مؤثر در این زمینه با تأکید بر هفت موضوع امکان‌پذیر خواهد بود:

۱) بر اساس مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حکومت اسلامی در جایگاه مطلوب خود باید شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد،

شایسته صورت گیرد. معاون حقوق عامه دادستانی کل کشور رویکرد ابتدایی دادستانی را پیشگیری دانست و بر این اساس توضیح داد: تلاش ما بر این است قبل از وقوع تخلف و از طریق پیشگیری و مطالبه این حق مانع از این شویم که جرم و تخلفی صورت گیرد.

ترکی رویکرد دیگر معاونت را مورد اشاره قرار داد و گفت: ما تلاش می‌کنیم اگر تخلفی صورت گرفته است، فقط با متخلف برخورد نکنیم بلکه از چرخه معیوبی که منجر به نقض حقوق عامه شده است، پیشگیری کنیم تا تکرار نشود. معاون حقوق عامه دادستانی کل کشور رویکرد اصلی را شناسایی، ارائه هشدار، تذکر و مطالبه‌گری و برخورد با ترک فعل طبق قانون دانست و گفت: پیگیری برای حل و اصلاح و چرخه ناصالح که جرم و تخلف حقوق عامه را ایجاد می‌کند با همکاری خود مردم و دستگاه‌ها دنبال خواهد شد. ترکی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چگونه می‌توان روحیه مطالبه‌گری مردم را احیا کرد، گفت: ابتدا باید دانش حقوقی مردم بارسانه‌ها یا لاابروء تا مردم موارد نقض را بشناسند و روش پیگیری را بدانند.

معاون حقوق عامه دادستانی کل کشور با اعلام حمایت از تشکیل ای مردم‌نهاد و مطالبه‌گران حقوق عامه خاطر نشان کرد: یکی از کارها و دستورات عملی‌هایی که به همه دادستانی‌ها اعلام شده، به‌رگزاری نشست با مطالبه‌گران مردمی در موضوعات مختلف است تا نظرات را بشنوند، این ارتباط دوسویه در چارچوب قانون به تقویت مطالبه‌گری کمک خواهد کرد.

مردم شریف ایران است.

۶) برداشت رایج از حقوق عامه در کشور ما با صلاحیت‌ها و اقدامات قضایی برای حفظ این حقوق و همچنین مجموعه‌ای از اختیارات قانونی برای کنشگران قضایی گره خورده است. اگر چه ابتدا ممکن است این تلقی به نوعی تقلیل‌گرایی در تفسیر محدوده و تضمین مصادیق این حقوق منجر شود، اما با اقدام سازنده و ارزشمند قوه قضائیه در شناسایی «ترک فعل‌ها» و «کوتاهی‌ها» از سوی مقامات دولتی، مسؤولان و همه سطوح دستگاه‌های اجرایی و قضایی، یکی از ارکان اصلی نقض حقوق عامه، این نقمان به خوبی جبران خواهد شد. به نظر می‌رسد نقطه ضوابط و معیارهای حقوقی این امر، بدون شک تحول قابل‌تذکر و بزرگی در کشور رقم خواهد خورد.

۷) از لحاظ مردم‌شناختی، بیش از ۳۰ گونهٔ سبک فرهنگی و اجتماعی در کشور پنهان ایران به عنوان مردم و جمعیت مردمی این خاک زندگی می‌کنند و هر یک با آداب و رسوم ارزشمند خود، بخشی از غنای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی سرزمین ما محسوب می‌شوند. یکی از ملزومات بسیار مهم احیای حقوق عامه، توجه به تنوعات مردم‌شناختی و فرهنگی مردم ایران است تا ضمن احترام به حاکمیت قانون در کشور، جایگاه اصل این تنوعات به خوبی حفظ شود. تقویت بنیان اجتماعی قوانین و توجه به عرف و قضاوت اجتماعی در تشخیص وظایف و ترک فعل‌ها، گام مؤثری در این زمینه محسوب می‌شود.

مشکل اصلی تعارض منافع است!

نیاز به تأیید با اعلام فعالیت دارد که در واقع مجوزهای تأییدی و اعلامی نامگذاری می‌شود. در همین راستا طبق اصلاحیه قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، وزارت اقتصاد مکلف به کسب استعلام تمام مجوزهای اعلامی و تأییدی از نهاد متولی و به‌ترمز کرد در هر گاه ملی مجوزهای کشور شده است.

بر این اساس هر شخصی برای شروع کار باید وارد درگاه ملی شود و پس از ثبت درخواست، مدارک را بارگذاری کند. در واقع این قانون سال‌هاست تصویب شده و با همه فشاری که وزارت اقتصاد

بر آن دارد، بخش قابل‌توجهی از دستگاه‌ها یا شرایط را اعلام نکرده یا به سامانه متصل نشده‌اند؛ موضوعی که جزو حقوق مردم است و قوه قضائیه در راستای نظارت بر حسن اجرای قوانین به عنوان یکی از مأموریت‌های خود باید ورود پیدا کند و دستگاه‌هایی را که از این امر استنکاف می‌کنند با ابزارهای قهری وادار به انجام تکلیف قانونی کنند. این در حالی است که قوه قضائیه نه تنها ورود رضایت‌بخشی نداشته است بلکه وزارت اقتصاد تنها مانده و در بسیاری از مواردی که خود متولی صدور مجوز است از بارگذاری شرایط اخذ مجوز در سامانه وزارت اقتصاد استنکاف کرده است.

در واقع قوه قضائیه باید به عنوان متولی حقوق عامه به دنبال اجرای قانون و شفاف‌سازی فرهنگ اخذ مجوز باشد. همین موضوع کمک می‌کند کسبو کارهای کوچک و متوسط که نیاز به حمایت نهاد حاکمیتی بر قدرت دارند، در برابر دستگاه‌های ارائه‌دهنده مجوز تنها نمانند.

بعد از جو یا شدن نظرات استادان دانشگاه و پژوهشگرانی که در حوزه حقوق عامه سال‌هاست تحقیق و پژوهش می‌کنند، بر آن شدید تا گفت‌وگویی نیز با حسن عبدالیان پور، رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه داشته باشیم؛ مجموعه‌ای که به عنوان یکی از بازوهای مهم قوه قضائیه در موضوع احیای حقوق عامه عمل می‌کند و در واقع فلسفه و جدوی آن، احیای حقوق عامه و مبارزه با فساد بوده است.

مصدق‌ها را بدانیم راحت‌تر به حقوق عامه می‌رسیم

حسن عبدالیان پور، مرکز وکلای

کارشناس رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه را نهاد ملی ارائه‌کننده خدمات حقوقی در سراسر کشور توصیف می‌کند و می‌گوید: تشکیل کمیسیون حقوق عامه در مرکز وکلای و تمامی استان‌های کشور از جمله اقداماتی است که توسط مرکز وکلای صورت گرفته است.



حسن عبدالیان پور

رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه

وی در خصوص رسیدگی به موضوعات حقوق عامه بیان می‌کند: کمیسیون‌های حقوق عامه در مرکز وکلای قوه قضائیه هر جا احساس کند حقوق عمومی نقض می‌شود، ورود پیدا می‌کنند و مطالبه‌گری خواهند داشت.

وی در این زمینه توضیح می‌دهد: کمیسیون‌های حقوق عامه که در مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه تشکیل شده‌اند، بنای تقابل با هیچ نهادی را ندارند بلکه در کنار نهادها و مردم جهت احقاق حق قرار می‌گیرند و از باب امر به معروف و نهی از منکر در خصوص جلوگیری از تضییع حقوق عامه ورود دارند.

عبدالیان پور ادامه می‌دهد: ماده ۸ قانونن امرین به معروف و ناهیب از منکر این حق را نیز به تمامی مردم داده است و بالاتر از این در هر موضوعی که ببینیم از درجه اهمیت بالایی برخوردار است یا نیاز به پیگیری‌های جدی داشته باشد، وکلای کارشناسان مجرب در مرکز به صورت معاضدتی ورود خواهند داشت.

از عبدالیان پور مصادیق مشخص ورود این نهاد را به موضوعات حقوق عامه جو یا شدیم، وی در این باره توضیح داد: باید بازتعریفی در خصوص مصادیق حقوق عامه داشته باشیم، البته اقدامات مناسب و مثبتی پس از دستورات ریاست قوه قضائیه در این قوه صورت گرفته است. دادستان کل کشور نیز به عنوان متولی دستورناتی را صادر کردند، لذا بهداشت و سلامت، صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان، هوای پاک، حقوق خانواده و صیانت از اراضی ملی را می‌توان از جمله مصادیق حقوق عامه برشمرد.

رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه در خصوص اینکه کمیسیون حقوق عامه در مرکز در چه مواردی جهت صیانت از حقوق عامه حضور و ورود داشته است، گفت: ورود کمیسیون حقوق عامه در مرکز در تعرض به عرصه‌های منابع طبیعی در شهرستان فیروزکوه بود که مکاتباتی با اداره کل منابع طبیعی و ابریزداری استان تهران انجام شد. نمونه دیگر در خصوص قوت خانم آسیه پناهی در کرمانشاه بود که منزلش توسط عوامل شهرداری تخریب شده بود و مرکز وکلای معاضدتی برای پیگیری ی‌رونده به دادرسا معرفی کرد.

وی با تذکر مثال دیگری در این زمینه بیان داشت: زمانی که روستای غزنیانیه در استان خوزستان مشکل آب آشامیدنی پیدا کرد، موضوع را از باب حقوق عامه از طریق استانداری پیگیری کردیم یا در خصوص صیانت از سرمایه‌های مردم در مرکز دولت قبل با سازمان بورس و اوراق بهادار وارد مذاکره شد.

عبدالیان پور یکی دیگر از مصادیق ورود این نهاد را جهت حمایت از نهاد خانواده دانست و افزود: به‌س عنوان یکی دیگر از مصادیق حقوق عامه، معاونت امور مشاوران خانواده در مرکز اقداماتی را انجام داده است.

وی در توضیح بیشتر بیان کرد: مشاوره‌های قبل از ورود خانواده‌ها به دادگاه مؤثر در استحکام نهاد خانواده بوده است.

مشاوران خانواده در مرکز وکلاد در طرح احقاق حق در مساجد حضور دارند و مشاوره‌های خوبی را به خانواده ارائه می‌دهند و این طرح در ادامه طرح هر شب یک مسجد بود که در ۳۰ شب ماه مبارک رمضان توسط وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده در مرکز انجام شده است و با توجه به اینکه رضایت عمومی را دربرداشت، اعضای مرکز را تشویق به ادامه آن کرد.

عبدالیان پور همچنین آماری را در زمینه واحد معاضدت مرکز ارائه کرد و گفت: این واحد، سالانه بالای ۱۰۰ هزار برنامه معاضدتی از قبیل معرفی وکیل برای خانواده کم‌برخوردار و حضور در مساجد و مناسبت‌های مختلف دارد، ضمن اینکه کارشناسان وکلای در مرکز از طریق سامانه تلفنی پاسخگوی سؤالات حقوقی مردم هستند یا در ملاقات‌های عمومی که هر هفته شخصاً با مردم دارم، وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده نیز حضور دارند و پیگیر مشکلات حقوقی مردم هستند. همچنین شبهه‌شبا با جمعی از وکلای خانم و آقا در مساجد تهران حضور پیدا می‌کنیم و مشاوره می‌دهیم که اینها در مجموع صیانت از حقوق مردم به عنوان حقوق عام است و با استقبالی که صورت گرفته در سراسر کشور در حال اجرایی شدن است.

رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه نمونه دیگری در این زمینه ذکر و خاطر نشان کرد: در بحث شیوع بیماری کرونا، اولین اقدام انجام شده توسط وکلای در مرکز اعلام آمادگی به عنوان وکیل برای ورود در پرونده‌های قضایی کادر درمان و خانواده‌های آنان بود تا کادر درمان با فرارغ پال بهتری بتوانند به ارائه خدمات درمانی بپردازند.

وی تأکید کرد: در تمامی رسانه‌ها اعلام کرده است در صورت نیاز به وکیل در پرونده‌های مطبوعاتی به صورت رایگان ورود خواهد کرد و وکیل مجرب در اختیار آنان قرار می‌دهد.